

بازآفرینی هویت در تاریخ: ایستایی و پویایی تاریخی در رمان‌های پیکان زمان و کشتزارهای لندن

مهدی نظامی^۱، فرید پروانه^۲

چکیده

حافظه تاریخی هم به صورت‌های واقعی و هم با ماهیت دگرگون‌شده یا ساختگی در جهان کنونی هویت‌بخشی می‌نماید. این هویت‌بخشی ممکن است به صورت طبیعی یا مصنوعی صورت گیرد. در دنیای پسانوگرا موارد ساختگی بسیاری می‌توان یافت که باعث شکل‌گیری ذهنیت‌ها می‌شوند تا مفاهیمی را با مقاصد تعصبی نهادینه نمایند. رمان‌های پیکان زمان (۱۹۹۱) و کشتزارهای لندن (۱۹۸۹) اثر مارتین امیس لایه‌های تفسیری بسیاری از جمله مطالعات تاریخی دارند که می‌توان مطالعات علمی را از آن‌ها حاصل نمود. بنا بر نظر کثیری از منتقدان از جمله تامس مالن^۳ و ویل سلف^۴، مارتین امیس ادیبی متعهد است که به برکت نیم قرن وقف عمر در حوزه‌ی ادبیات، تلقی روح زمانه در آثارش بازتاب می‌یابد. روند زندگی شخصیت‌های داستان چه به‌سوی گذشته و چه به‌سوی زمان آینده باشد در نهایت پس از طی چرخه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بنا بر نظریه‌های فیلسوفانی از جمله ژان فرانسوا لیوتار^۵ و میشل فوکو^۶ آفرینش می‌گردد یا به حالت نخستین خود باز می‌گردد و بازآفرینی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که این پویایی بر اثر قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی خاص روی می‌دهد. مبحث پاکسازی یا «انیلینگ»^۷ روشی در علم فلزکاری یا متالورژی است که از آن می‌توان برای درک بهتر جنبه‌های تفسیری برای همانندنگاری رمان بهره برد. همنوایی به شکل‌های مختلفی رخ می‌دهد که به دلیل شباهت رفتاری از علوم پایه به علوم انسانی و دیگر علوم بشری راه می‌یابد. همنوایی یا «رزونانس»^۸ بر اساس آراء نظریه پردازان علوم اجتماعی از جمله لی منگ^۹ در دنیای امروزی و عصر ارتباطات بیشتر از گذشته رخ می‌دهد. این پژوهش، چگونگی تاریخ در دو رمان برگزیده مارتین امیس را بررسی می‌نماید که آیا تاریخ از منظر این نویسنده پویا است یا ایستا و چنانچه پویاست چگونه این امر صورت می‌گیرد. هویت ساختگی به‌عنوان ذهنیت فرهنگی در رمان‌ها از طریق هنجارسازی آن حاصل می‌شود. روند هنجارسازی^{۱۰} با موارد تاریخی همنوا می‌گردد تا آن‌ها را نقض یا تقویت نماید. رمان‌های امیس را می‌توان از منظر پاکسازی تاریخی دید که در آن‌ها تاریخ به وضعیت اولیه خود به عقب برمی‌گردد. لذا می‌توان سرگذشت شخصی را به‌عنوان سرگذشت جمعی دید. مسخ یا نتیجه این روند تبدیل، منجر به پاک نمودن ذهنیت واقعی یا مصنوعی جهانی می‌شود. بازگشت پویا به زندگی و یافتن هویت نخستین اگرچه در قالب مرگ هم باشد در دنیای پسانوگرا خودبه‌خود رخ می‌دهد زیرا شرایط این بازآفرینی در زندگی اجتماعی ایجاد شده و از قبل هم قابلیت پیش‌بینی دارد. این مقاله، پژوهشی مبتنی بر نظریه علمی انیلینگ و ترکیب آن با نظریه تاریخ از منظر لیوتار و فوکو به‌منظور بررسی رمان‌های منتخب مارتین امیس به روش توصیفی - کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: پاکسازی، مارتین امیس، هنجارسازی، همنوایی، هویت ساختگی

دوره هجدهم شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران،

ایمیل: Mahdi.Nezami@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)، قم، ایران،

ایمیل: faridparvaneh@gmail.com

3- Thomas Mallon

4 - Will Self

5- Jean Francois Lyotard

6- Michel Foucault

7- Annealing

8- Resonance

9- Lei Meng

10- Normalizing

مارتین امیس یکی از روشنفکران حوزه ادبیات به‌شمار می‌رود که از طریق ادبیات اندیشه‌ورزی می‌نماید بدین معنا که به دلیل سبک خاص نگارش، شخصیت‌های آثار وی از طریق ذهنیت‌های جهانی ایجاد شده پس از چند دهه دچار دگرگونی شوند. مارتین امیس همانند پدرش کینگرلی امیس، ادیبی پرآوازه و دارای سبک خاص نگارشی است به گونه‌ای که تقریباً تمام کسانی که در حوزه ادبیات پژوهش می‌نمایند با آثار امیس آشنا هستند و بسیاری از منتقدان ادبی وی را یکی از پنجاه نویسنده بزرگ بریتانیایی پس از جنگ جهانی دوم تاکنون و متأثر از ادیبان بزرگی از جمله جیمز جویس و تأثیرگذار در نگارش برخی از نویسندگان مطرح امروزی می‌دانند که دیدگاه‌های ویژه‌ای در دنیای پسانوگرا دارند.

فرایند مشابه این روند با ترتیب زمانی معکوس در آثار امیس را می‌توان به مثابه فناوری فلزکاری پاکسازی یا انیلینگ در نظر گرفت که با این روش یک قطعه فلز شکل‌دهی ذاتی می‌گردد به‌گونه‌ای که گویی زمان به عقب برگشته و شکل ذاتی اولیه یا شکل کریستالی اولیه حاصل گردیده است. در علوم انسانی به‌ویژه ادبیات، شبیه یک چنین فرایند پاکسازی می‌تواند به درک روش‌های غیر معمول نویسندگی منجر شود. تاورز (۲۰۰۱) بیان می‌دارد که به‌رغم حالت سیالی و معلق بودن وضعیت فرهنگی دنیای پسانوگرا، بیشترین موارد درک نظری و زیبایی‌شناسی فراهم می‌شود.

مارتین لوئیس امیس (تولد ۱۹۴۹) نویسنده انگلیسی در آکسفورد پسر دوم کینگرلی امیس و هیلاری دوران کودکی خود را به‌لحاظ این که پدرش استاد دانشگاه سوآنسی بود در جنوب ویلز گذراند. در سال ۱۹۵۹ مارتین به‌همراه خانواده‌اش به کمبریج رفتند و دو سال بعد، تحصیلاتش دچار تأثیر منفی متارکه پدر و مادرش شد. در دوران نوجوانی به هنر روی آورد. مارتین امیس در مقام دانشجوی ممتاز با رتبه یک از کالج آکسفورد در سال ۱۹۷۱ فارغ‌التحصیل شد. همانند پدرش ادیب صدای نسل ادبی مردانه زمانه‌اش شد. لحن وی همانند پدرش متعهدانه بود و منتقدان به ندرت توانسته‌اند بی‌تفاوتی را در قلم او بیابند و او را یکی از اصیل‌ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان نسلش می‌دانند. بیش از چهار دهه یعنی تقریباً نیم قرن از عمر امیس وقف ادبیات شده است. گواه این مدعا انتشار دست کم دوازده رمان و داستان کوتاه به‌علاوه چهارصد مقاله و نقد ادبی است. نکته‌ای مشترک آثار امیس روح زمانه بودن است. در میان آثار وی، رمان‌های پیکان زمان و کشتزارهای لندن منتخب این پژوهش است. رمان پیکان زمان دارای نقل روایتی

به‌صورت زمان وارونه می‌باشد به‌طوری که وقایع در آن از آخر به اول نقل می‌گردند. ترتیب زمانی معکوس به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که قهرمان داستان که پزشکی آلمانی است در روندی غیر معمول از روایت و نوع معکوس روایت واقعی در جهان پسانوگرا قرار دارد. نکته اصلی رمان، تاریخ قرن بیستم و هولوکاست است. نقل‌قول غیرقابل اتکا یکی از ویژگی‌های این رمان است. محوریت رمان بر اساس تکامل تاریخی چالش شخصی بر پایه سنت و واقع‌گرایی است. رمان کشتزارهای لندن تحت‌عنوان مقتول نیز بنا بر نظر نویسنده حکایت از خانمی دارد که ضمن داشتن اطمینان از این که قرار است شخصی او را به قتل برسد در تکاپوی یافتن قاتلی است که خودش هم از وجود چنین شخصی دچار تردید است. گشت زدن شخصیت در مکان‌های عمومی لندن، نوعی وضعیت آخرالزمانی پدید می‌آورد. ترکیب این فرایند منجر به هویت نوینی می‌گردد. این هویت نوین چندان هم تازگی ندارد و می‌تواند بازآفرینی از حالات نخستین گذشته باشد که طی فرایند و چرخه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی پدید آید.

پویایی تاریخی در علوم مختلف با اشکال گوناگون قابل بررسی است. در علوم مهندسی و فیزیک نیز مشابه علوم انسانی، مبحث تاریخ و هویت مصنوعی به‌کار می‌رود. بدین‌گونه که طی فرایندهایی شکل نخستین یا نوینی حاصل می‌گردد. در حوزه علم فلزکاری یا متالورژی، روندی به نام پاکسازی یا انیلینگ با فرایندهای متفاوت و زیرشاخه‌های عملکردی وجود دارد. روند خلق یا بازآفرینی حالت قبلی یا حالت مطلوب فلزات به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که محصول فلزی هم با خواص اولیه و هم خواص جدید می‌باشد. در حقیقت، خواص ذاتی بر می‌گردند و تحلیل می‌گردند، اگر چه به‌نظر می‌رسد که محصول از فرایند جدا بوده است. فرایندهایی که روی فلز صورت می‌گیرند، عبارت است از گرمایشی، مکانیکی و شیمیایی که به دو گونه‌ی حجیم یا سطحی هستند که انیلینگ کامل یا تقریبی نام دارند. انیلینگ تقریبی یا هنجارسازی همانند انیلینگ کامل است فقط فاقد مرحله سخت‌شدگی در نقطه دمای بالای دمای بحرانی فلز است. به‌وسیله انیلینگ، فلز از لحاظ بافت کریستالی تغییر شکل می‌یابد. با توجه به هدف و خواص ذاتی فلز، فرایند انتخاب می‌شود تا اتم‌های به هم‌ریخته فلز دوباره شکل‌دهی شوند. به‌عنوان مثال مقتول مسی در طی فرایند صنعتی، اندکی هدایت الکتریکی خود را از دست می‌دهد. مقتول مس را می‌توان در دما و زمان مشخصی قرار داد تا به هدایت الکتریکی قبلی خود برسد. فرایند انیلینگ به‌عنوان مرحله‌ای متصور است که به وسیله آن هم‌نواپی اتم‌های فلز

فراهم می‌گردد تا به حالت قبلی یا تاریخی فلز با شکلی جدید برسد. انیلینگ باعث می‌شود تا مراحل بعدی هنجارسازی و سخت‌شدگی انجام شوند. هنجارسازی، مرحله‌ای است که در آن تنش‌های داخلی برداشته می‌شوند تا به نتیجه حداکثری برسد. سخت‌شدگی، فرایندی عکس انیلینگ می‌باشد. این مرحله‌ی معکوس سریع باعث می‌شود که قطعه کار خلق شده در مرحله انیلینگ بدون تغییرات باقی بماند. رامش (۱۹۹۳) بیان می‌دارد که انیلینگ، هنجارسازی و سخت‌شدگی در نقطه بالای دمای بحرانی فلز صورت می‌گیرند درحالی‌که گرمادهی به‌عنوان مرحله آخر زیر دمای بحرانی فلز انجام می‌شود. به‌طوری که انیلینگ باعث افزایش هدایت الکتریکی، کاهش مقاومت فلز و به هم آمیختگی می‌گردد. در علوم انسانی همانند علوم مهندسی رفتار ذاتی انسان را می‌توان همانند رفتار ذرات ماده متصور شد. تفاوت آن‌ها در ماهیت موضوع است ولی فرایندها و رفتارها مشابه هم هستند. صاحبان سلطه در جوامع بشری، با ایجاد جریان فکری رفتار و ذهنیت ملت‌ها را تغییر می‌دهند. البته جریان فکری همانند دما و مدت زمان فرایند گرمایش فلز در جوامع مختلف متفاوت است. صاحبان سلطه در دنیا که از تاریخ و رفتار ملت‌ها آگاه هستند رفتار خاص فکری را برای خلق یا شکل‌دهی واقعیت تاریخی یا نقض آن به جامعه اعمال می‌نمایند. مقتول مسی انیل شده یا پاکسازی شده وسیله مناسبی برای انتقال توان الکتریکی است. ذهنیت پاکسازی شده در جامعه بشری نیز وسیله مناسبی برای رسیدن به اهداف صاحبان سلطه است. جریان فکری که سردمداران جهان به کار می‌گیرند موارد متعددی است که شامل ادبیات نیز می‌گردد. متون ادبی می‌توانند صاحبان سلطه را رسوا یا تقویت نمایند که عبارت از اطفاء اثر یا پررنگ نمودن آن است. باستن (۲۰۰۹) می‌نویسد که نرمالیزه نمودن و سخت نمودن جزء مراحل بعدی انیلینگ هستند که اطفاء نام دارند که باعث نهادینه شدن ذهنیت می‌شوند.

ژان فرانسوا لیوتار فیلسوف فرانسوی در کتاب شرایط پست‌مدرن (۱۹۸۴) بیان می‌دارد که میان علم و داستان‌سرایی همواره نزاعی بوده است و تفکر زبانی و یگنشتاین را در دنیای پسانوگرا ذکر می‌کند به‌گونه‌ای که زبان را می‌توان به‌سان شهری متصور شد که جایی شلوغ با خیابان‌ها و میدان‌های کوچک و خانه‌های قدیمی و جدید در طی اعصار و دوره‌های مختلف که با تعداد زیادی قصبه جدید محصور شده است که خیابان‌های منظم و مستقیم و خانه‌های یک‌شکل دارند. ویکس (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که منظور لیوتار از ادبیات و داستان‌سرایی راهی برای مشخص نمودن ذهنیت پسانوگرایی است. میشل

فوکو فیلسوف فرانسوی نیز حالت و روند تاریخی جدیدی را با چشم‌اندازی کلی به تمام دوران‌ها ارائه می‌نماید. هرگونه بحثی در این مورد چارچوبی از قوانین تصفیه و تفکیک بنا می‌کند که بر موارد فکری، نوشته شده یا بیان شده حکم می‌راند که چگونه وارد ذهن شوند. لذا یکی از نقش‌های مورخ این است که زمینه را برای تأسیس یا فسخ این چارچوب رصد نماید. شلطان (۲۰۰۱) در مورد تحلیل اجتماعی و سیاسی میشل فوکو می‌نویسد که حذف سلطه به معنای حذف قدرت نیست بلکه سلطه از طریق مراحل تاریخی و استفاده‌های موقعیتی از آن مشروع می‌شود و از حقوق طبیعی و رضایت منطقی حاصل نمی‌گردد. به عبارت دیگر، حافظه‌های تاریخی اعم از واقعی و غیرواقعی عامل بقای قدرت هستند.

پیشینه تحقیق:

در مورد تاریخ و نگارش تاریخی نظرات و پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بدین‌سان در مورد روش‌های علمی نیز پژوهش‌هایی تدوین شده است. به‌عنوان نمونه، جانسون (۲۰۱۸) از عشق به‌عنوان عامل انیلینگ یاد می‌کند که سبب ایجاد انرژی بسیار زیاد می‌گردد. باگز، منتقد تاریخ (۲۰۱۷) به موضوعی اشاره می‌کند که در زمانی که فرهنگ کلی جنگ هنوز اثر خاص در فرهنگ سیاسی دوره پس از جنگ در ایالات متحده آمریکا دارد اثرات سازنده جنگ جهت هم‌نوایی با ارزش‌ها به میزان کمی دوام آورده است و فقط اثرات بی‌رحمی و خشونت زمان جنگ در آن وجود دارد که عبارتند از هولوکاست، مرگ و انهدام در میدان‌های وسیع جنگ، نابودی شهرهای بزرگ از طریق حملات هوایی، کشتار اتمی، اهانت‌های عمدی به جمعیت غیرنظامی از سوی همه طرفین جنگ. باگز (۲۰۱۷) می‌افزاید که جنگ جهانی دوم به‌عنوان تولدی جدید برای مردم دنیا عنوان گردید و در محاکم نورنبرگ، توکیو و سازمان ملل متحد مطرح و حقوق بشر پذیرفته شده جهانی مشخص شد. در پس پرده تشکیل دولت اسرائیل به‌ویژه در اروپا موضوع هولوکاست می‌تواند موجب ایجاد انرژی سیاسی گردد، البته در ارتباط با جنبه‌های مداوم پیرآشوب پس از جنگ در منطقه خاورمیانه و ماورای آن. هیوارینن، منتقد دیگر تاریخ (۲۰۱۳) به وقایع هولوکاست اشاره می‌نماید که زمانی تا حدودی توجیهی منطقی داشت ولی اکنون با نگاهی به گذشته ممکن است کاملاً شرم‌آور و وحشتناک باشد. کوبیت بیان می‌دارد که می‌توان گفت حداقل دلیل طرح متون تاریخی این است که ابزار یادآوری است

که باعث می‌شود بعضی موارد در ذهن مردم باقی بمانند و از خطر فراموشی در امان باشند. ساسیو (۲۰۱۲) در مورد آثار مارتین امیس می‌نویسد که وی درحالی‌که روح زمان‌ها را متراکم نموده نگاهی به نویسندگان کلاسیک دارد و به شکل بازی بین‌متنی می‌نویسد. بردلی و تیت (۲۰۱۰) ضمن اشاره به عاملی به‌عنوان منجی به‌نام ادبیات برای نجات بشریت در حال حاضر این موضوع را مطرح می‌نمایند که امیس فضای مدینه فاضله‌ای را به‌نام رمان ارزش‌گذاری می‌نماید که در آن هر چیزی ممکن است باشد و به آن فکر شده و گفته شود. ابزار این کار کاملاً مشخص نیست ولی روش‌های متفاوتی می‌توانند این روند را انجام دهند. ایس (۲۰۰۱) بیان می‌دارد که در مورد هولوکاست نیاز است که تاریخ به‌مثابه مسئله‌ای روانی، اجتماعی و ایدئولوژیک خطاب قرار گیرد و دوره پسانوگرا و پسا هولوکاست موارد دو طرفه‌ای هستند که می‌توانند به‌بهرترین نحو با یکدیگر هم‌نوا شوند. ارنشا (۲۰۰۰) به رویکرد امیس به تاریخ و گذشته اشاره دارد که وضعیت قرن‌های گذشته را بازآفرینی می‌نماید. ریدینگز (۱۹۹۱) می‌نویسد که ما می‌بایست تاریخی بنویسیم که با ارائه آن وقایع هولناک تاریخی بدون ذکر مستقیم بررسی شوند و تاریخ مانند ادبیات مکان تشخیص و درک مفاهیمی است که قابل گفتن نیست.

روش‌شناسی پژوهش:

این مقاله، حاصل پژوهشی مبتنی بر نظریه علمی انیلینگ و ترکیب آن با نظریه تاریخ از منظر لیوتار و فوکو به‌منظور بررسی رمان‌های منتخب مارتین امیس بوده و از روش توصیفی - کتابخانه‌ای بهره می‌گیرد. رویکرد و روش عمل این پژوهش به‌گونه‌ای تعریف می‌گردد که مسئله‌ی این مقاله بیان می‌شود. تحلیل گفتمان میشل فوکو و وضعیت پسانوگرایی ژان فرانسوا لیوتار در رمان‌های امیس در حالت بر هم‌نوائی یا رزونانس بررسی می‌گردند به‌طوری‌که از این منظر، انیلینگ یا پاکسازی، هنجارسازی، و سخت‌شدگی که سه مرحله‌ی روند انیلینگ می‌باشند در رمان‌ها به‌عنوان نقاط بحرانی بالالفاظ می‌گردند و گرمادهی به‌عنوان آخرین مرحله در نقطه‌ی بحرانی پایین بررسی می‌گردد. روش این پژوهش در یک نقطه برهم‌نهی به‌عنوان رزونانس یا هم‌نوائی با نظریه میشل فوکو با عنوان تحلیل گفتمان که به خلق موقعیت در مطالعات ژنتیک برای کنترل جامعه می‌انجامد و نظریه کروئوفویا یا زمان‌هراسی مربوط به ژان فرانسوا لیوتار که فراتر از

محدودیت‌های زمانی رفتن است نقطه اشتراک دارد. به عبارت دیگر، ارتباط بین قدرت و دانش در نظریات فوکو و مفهوم زمان و موقعیت در نظریات لیوتار باتوجه به روش علمی انیلینگ و شرایط رزونانس بررسی می‌گردند. به طور کلی، انیلینگ یا پاکسازی، دیدگاهی را بازآفرینی می‌کند که میزان هادی بودن^۱ یا بکر بودن^۲ را افزایش می‌دهد و مقاومت یا واقعیت‌تغییریافته را کاهش می‌دهد. روال و ترتیب زمانی معکوس رمان پیکان زمان و در مسیر جست و جو قرار گرفتن در رمان کشتزارهای لندن به فرایند انیلینگ اشاره دارند که در آن بازآفرینی تاریخ تسخیر شده و حافظه فرهنگی به دست می‌آید به طوری که وضعیت اصلی و اولیه حاصل می‌گردد. سیر داستانی هر دو رمان که یکی به سمت گذشته و دیگری به سمت آینده میل می‌نماید در واقع حکایت از در چرخه فرایند قرارگیری را ارائه می‌دهد که محصول قابل پیش‌بینی حاصل می‌شود. در این پژوهش فرایند بازآفرینی در رمان‌های منتخب مارتین امیس بررسی می‌گردند که در آن‌ها حالات اولیه شخصیتی در اثر قرارگیری در جریان و چرخه اجتماعی بازآفرینی می‌گردند که این پویایی لزوماً متأثر از تعیین خط‌مشی زندگی توسط شخصیت‌های داستان صورت نمی‌گیرد بلکه چرخه اجتماعی باعث به وجود آمدن شرایط لازم برای این پویایی و بازآفرینی می‌گردد که مشابه شرایط روش علمی انیلینگ است. همان‌طور که دانش یا درک واقعیت از منظر فوکو از طریق قرارگیری در چرخه‌های اجتماعی حاصل می‌گردد، انیلینگ نیز چرخه‌ای است که منجر به رسیدن به حالت اولیه و واقعی می‌شود.

فرایند بازآفرینی تاریخ در رمان‌های مارتین امیس:

انیلینگ یا پاکسازی میراث فرهنگی را می‌توان به حافظه تاریخی تشبیه نمود. داستان را می‌توان به مثابه حمام گرمی متصور شد که در آن مفهوم غیر مرسوم دو باره مرتب یا کریستاله می‌گردد. در حقیقت، داستان قلمرویی است که در آن جامعه جهانی به صورت پاکسازی شنبیه‌سازی شده ارائه می‌گردد که در واقع، داستان‌سرایی همان شنبیه‌سازی زندگی واقعی است که از دیدگاه انیلینگ منجر به پاکسازی یا دریافت واقعیت می‌گردد. به هم ریختگی روال عادی نگارش منجر به نتایج همگرای بدون علامت می‌گردد یعنی تمرکز یکسان و بدون اعوجاج در خوانندگان اثر ادبی حاصل می‌شود. لذا تاریخ تسخیر شده که همان ذهنیت یا حافظه تاریخی القاء شده در جامعه توسط صاحبان سلطه و روان زخمی‌هاست و حافظه فرهنگی به ذهنیت تفکر جهانی به عنوان روح زمانه تحمیل

1. Conductivity

2. Virginity

می‌گردند. هایدن (۲۰۱۶) به پاسخ‌های خشونت اشاره می‌نماید که پیام‌های یکنواختی به مسببین خشونت ارسال می‌نمایند که نشان می‌دهد چه نوع عملی در شرایط خاص قابل‌قبول است یا خیر و این پیام‌ها بعضی اوقات نشان می‌دهند که آن شخص چه شخصی است یا می‌بایست باشد. چرخه زمان برای تکرار وقایع تاریخی می‌تواند بر اساس خواسته پدید آورندگان داستان دستکاری گردد تا ذهنیتی در اذهان عمومی شکل گیرد. هیوارینن (۲۰۱۳) مطرح می‌نماید که داستان‌سرایی عملی مجسم است که در آن هم داستان‌سرا و هم شنونده داستان به‌صورت فیزیکی درگیر هستند. وس (۱۹۹۶) به فراروایت یا کلان روایت میشل فوکو اشاره دارد که ژان فرانسوا لیوتار آن را حالت یا فرهنگ پسانوگرایی می‌نامد که تمام بشر را شامل می‌شود. این خاصیت جهانی بودن را در آثار امیس می‌توان بررسی کرد. رمان‌های پیکان زمان و کشتزارهای لندن به ترتیب در این پژوهش بحث می‌شوند که محور هر دو رمان در زمان حال است درحالی‌که رمان پیکان زمان به‌سمت گذشته سیر می‌نماید و رمان کشتزارهای لندن به زمان آینده نزدیک میل دارد. در واقع در آثار نویسندگان پسانوگرا نوشتاری پدید آمده است که در پی ساختن نوع جدیدی از واقعیت هستند که در آن مصائب بشر به شیوه‌ای جدید نقل می‌شود (به نقل از سخنور و منتخبی، ۸۶). کیولکس (۲۰۰۳) هر دو رمان را مکمل یکدیگر می‌داند که در هر دو انرژی خودبه‌خودی و تصادفی قرار دارد که شخصیت‌ها را به مسیرهایی می‌کشاند تا شکلی پیدا نمایند و از حالت بی‌نظمی به‌نظم و از اضمحلال به آفرینش برسند، زیرا فاقد شکل مشخصی هستند و این مراحل، نتیجه فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند که با مفهوم مرگ، تمام زمان‌ها را پوشش می‌دهند. زیربنای تمام داستان‌ها و روایت‌ها به نوعی ریشه در گذشته و تاریخ دارند و به عبارتی الگوهای تاریخی یا اسطوره‌ای هستند که قهرمان داستان سه مرحله کلی عزیمت، تغییر ماهیت و بازگشت را طی می‌نمایند (به نقل از پروانه و ذالتاش، ۹۳-۹۴).

فرایند بازآفرینی هویت تاریخی در رمان پیکان زمان

رمان پیکان زمان اثر مارتین امیس مثال مناسبی برای انیلینگ یا پاکسازی ذهنیت ملل است. امیس به‌دنبال مشخصات جامعه است تا با آن ذهنیت نسل‌های پس از جنگ جهانی دوم را دوباره شکل دهد. ساختار ذهنیت جامعه از طریق داستان دوباره ساخته می‌شود. داستان، یکی از جریان‌های فکری است که ذهنیت جامعه را هدف می‌گیرد و باعث می‌گردد

تا مردم نقل تاریخی را باور کنند یا آن را فراموش نمایند. خاصیت شناوری یا معلق بودن موارد تاریخی پسامدرن باعث می‌گردد تا نویسندگان آزاد باشند تا این که ذهنیتی را پاکسازی، نرمالیزه و سخت نمایند یا آن را پاک نمایند که در واقع، سخت‌شدگی در مرحله نهایی حاصل می‌شود که همان ثبات نهایی و محصول فرایند است. شخصیت اصلی رمان امیس پاکسازی می‌گردد تا به حالت اولیه‌اش دست یابد که دیگر شخصیتی بدلی و تصنعی نباشد. موضوع هولوکاست در ذهنیت جمعی وارد و نهادینه شده است. حافظه‌ی جمعی بر اساس خواسته و از طریق فرایند پاکسازی یکپارچه می‌شود. این موضوع روشی برای گواه گرفتن حافظه‌ای مطلوب و پر رنگ نمودن آن است. داستان ابزاری برای عمق دادن و ژرف نمودن حافظه‌ای سطحی است. فرایندی که شخصیت داستان در آن قرار می‌گیرد مستعد هم‌نوائی با پیشینه‌های تاریخی است که قرارگیری در چرخه اجتماعی مناسب باعث این پویایی می‌گردد به طوری که حتی ایستایی شخصیت هم نمی‌تواند از این بازآفرینی ممانعت نماید و براساس نظریات فوکو و لیوتار این وضعیت پسانوگرایی شخصیت داستان را به مثابه قطعه کاری به حالت اولیه بازآفرینی می‌نماید. امیس شخصیت داستان پیکان زمان را از موقعیتی دوباره شکل یافته بر می‌گزیند و از ابتدای داستان به طرف وضعیتی می‌رود که در آخر داستان وضعیت دگرگون شده است. نظر به این که روال داستان وارونه صورت می‌گیرد و ترتیب زمانی از زمان حال به گذشته در سرتاسر داستان حاکم است و هویت‌های انتخابی شخصیت داستان از آخر به اول یا از جنایت به معصومیت می‌رسند لذا کل فرایند تغییر هویت، مشابه فرایند انیلینگ جهت بازآفرینی رخ می‌دهد. آزادسازی اردوگاه اوشویتز به دست روس‌ها را می‌توان به مثابه عامل گرمایش اولیه در نظر گرفت که به وسیله آن‌ها وضعیت پاکسازی ایجاد می‌گردد به طوری که شخصیت داستان از لهستان با هویتی جدید به نام همیلتن دسوزا به پرتغال می‌گریزد. روندهای پاکسازی و نرمالیزه به پیش می‌روند در زمانی که شخصیت داستان با نام جان یانگ به آمریکا مهاجرت می‌نماید. با رسیدن به آمریکا روند سخت‌شدگی مشخصات و هویت به سرانجام می‌رسد. مرگ شخصیت داستان عبارت از تولد در مرحله‌ای دیگر است که تولدی دوباره در وضعیت اولیه می‌باشد که در آن مرحله هنوز شخصیتی جنایتکار یا ساختگی نیست. این مرحله، مرحله پس از سخت‌شدگی است که شکل‌گیری دوباره هویت با هویت نخستین صورت می‌گیرد که روند معکوس زندگی پزشکی است که طی جنگ جهانی دوم با آلمانی‌های نازی جهت کشتن انسان‌های بی‌گناه

همکاری داشته است. قالب‌گیری مجدد نسل اولیه به جای نسل‌کشی هولوکاست در رمان پیکان زمان مطرح می‌شود. امیس شبح هولوکاست یا روان زخمی در ذهنیت جامعه جهانی را که طی چند دهه شکل یافته دوباره شکل‌گیری یا پاکسازی می‌کند به‌گونه‌ای که مطابق با روش مرسوم نگارش یا روایت نیست. نقل داستان به‌گونه‌ای انجام می‌شود که گویی روایت‌گر یا می‌خواهد پیامی بدهد یا توجه را جلب نماید که روایت‌گر ماشینی است که می‌خواهد وضعیت را به سمت عقب یا حالت قبلی سوق دهد. سه بخش کتاب به ترتیب مربوط به اواخر قرن بیستم، دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۳۰ میلادی است که در واقع از زمان بعد از جنگ جهانی دوم شروع تا زمان قبل از جنگ جهانی می‌رسد. این فرایند عجیب است اما نتیجه، حالت نخستین یا اولیه است. مسخ شدن شخصیت داستان از حالتی به حالتی دیگر را می‌توان فرایندهای انیلینگ یا پاکسازی در نظر گرفت تا هویت اولیه حاصل شود. تنش از خواص فرایند انیلینگ است. گرم کردن یک فلز در دمای مشخص برای انیلینگ باعث بروز تنش‌هایی می‌گردد. شخصیت داستان امیس چند مرحله در زمان به عقب برمی‌گردد لذا دردهایی را در زمان‌های کوتاه در بازه‌های زمانی در زندگی‌اش تجربه می‌نماید.

نام اصلی شخصیت اصلی رمان پیکان زمان اودیو اونوردوربن است که نام خانوادگی با پیشوند به‌معنای منفی و معکوس همراه است. وردوربن در زبان آلمانی به‌معنای آلوده، فاسد، خراب یا تباه است. لذا اونوردوربن به‌معنای معصوم و صاف و ساده است. مفهوم زمان معکوس فرایند انیلینگ را در بازه‌های زمانی تعیین می‌نماید که در آن هارمونیک‌ها هم‌نوا می‌شوند و حافظه فرهنگی را بازآفرینی می‌نمایند. در رمان امیس صفحه‌ی بیست بیان می‌گردد که «من وارونه‌ام و نمی‌دانم که آیا دارم می‌آیم یا می‌روم» (۲۰). اونوردوربن بر اثر تصاف اتومبیل در آمریکا در ابتدای رمان می‌میرد و در سال ۱۹۱۶ میلادی در انتهای رمان در آلمان متولد می‌گردد. نویسنده در صفحه هفتاد رمان می‌نویسد اودیو معصوم و از گناه پاک است و رویاها و تفکراتش پاک هستند و پاکسازی شده از مخاطره و بیماری است. در این جا کلمه پاکسازی اشاره به انیلینگ دارد. این کلمات بار معنایی مشابهی دارد. در صفحه سی رمان نیز شخصیت داستان به‌طور تلویحی اشاره به این نکته می‌نماید که به‌طور ذاتی، ذهنیت اولیه‌ای مبنی بر تنفر یا علاقه به انسان‌های خاصی نداشته است. در صفحه یکصدوشش رمان که نزدیک به صفحات پایانی رمان است شخصیت داستان‌گریزی به تزکیه و پاکی جسم و

روح خود می‌زند و اشاره به حس معصومیت می‌کند به طوری که رزونانس یا همنوایی نگران‌کننده‌ای برای او نیست.

خاصیت مهم رمان پیکان زمانِ مارتین امیس که برای خواننده مبرهن است قالب نگارش است که از زمان حال به سوی گذشته می‌رود. رمان در سه فصل به نگارش درآمده است که می‌تواند دلیل بر سه مرحله روند پاکسازی باشد که شامل انیلینگ، سخت‌شدگی و هنجارسازی است. فصل دوم رمان با جمله‌ای شروع می‌گردد که برای مهربان بودن باید بی‌رحم بود. این جمله با بیانی ادامه می‌یابد که این روندهای پیشرفت یکی پس از دیگری می‌آیند. از دیدگاه انیلینگ و رسیدن به شرایط همنوایی این جملات اشاره به عبور از شرایط سخت برای انیل یا پاک شدن در همنوایی برای عبورکردن از بی‌رحمی و رسیدن به مهربانی دارند. شخصیت اصلی داستان سفر یا رنجی به سمت گذشته دارد تا خالص شده و به مشخصات نخستین وجودش یعنی معصومیت و عدم جنایت‌گر بودن برسد. فصل پنجم با این جمله شروع می‌گردد که دنیا قرار است معنا پیدا کند. این مرحله هنجارسازی انیلینگ به‌عنوان آماده‌سازی مرحله سخت‌شدگی برای تثبیت نتیجه می‌باشد. پاراگراف پایانی فصل پنجم به این مفهوم اشاره دارد که نوع بشر تمایل به زنده ماندن دارد لذا انسان‌ها در حال مردن می‌باشند تا زنده بمانند. فصل هفتم با مرحله گرمادهی آغاز می‌گردد و ذکر می‌شود که شخصیت اصلی داستان پاک است و همنوایی نگران‌کننده‌ای وجود ندارد. فصل آخر رمان یا فصل هشتم فصلی کوتاه و چهار صفحه‌ای است و به‌عنوان قسمت سوم رمان تقسیم‌بندی شده است که مرحله نتیجه‌گیری است که در آن شخصیت اصلی به مثابه قطعه‌کاری بازیافت می‌شود و بازآفرینی تاریخی تسخیرشده و حافظه تاریخی صورت می‌گیرد.

فرایند بازآفرینی هویت تاریخی در رمان کشتزارهای لندن

رمان کشتزارهای لندن اگرچه با روایتی متفاوت از رمان پیکان زمان ارائه می‌شود، خاصیت‌های پاکسازی تاریخی را به نوعی مشابه بیان می‌دارد. مفهوم زمان در هر دو رمان بسیار مشهود است به‌گونه‌ای که در رمان پیکان زمان، روال معکوس گذرای زمان حاکم است و در رمان کشتزارهای لندن، پیش‌بینی گذرای زمان روایت می‌شود. کیولکس (۲۰۰۶) بنا بر نظر لیوتار، فقدان واقعیت برای واقعیت را حالتی بین حسرت و سنجش می‌داند که سرنوشت از آن حاصل می‌گردد. این اعوجاج اگرچه باعث برهم

زدن روال سیر طبیعی در زندگی شخصیت داستان می‌گردد باعث ثبات مشخصی در مسیر آینده می‌شود. کیولکس (۲۰۰۳) رمان کشتزارهای لندن را تسخیر شده در توقف زمان می‌بیند و به صورت نمادین به حفره‌های سیاه، خورشید گرفتگی‌ها، انقباض عالم و جنگ هسته‌ای اشاره دارد و به تنفر امیس از جنس موءنث در رمان کشتزارهای لندن نیز گریزی می‌زند که در روند داستان و سرنوشت شخصیت آن مؤثر است زیرا زندگی را فکاهی بزرگ و بدیمنی می‌بیند. سراسر رمان را انرژئی یا نیرویی فرگرفته که گویی شخصیت‌های داستان به‌ویژه شخصیت اصلی که خانمی به نام نیکلا سیکس است را در مسیرهایی همراه با اضطراب و بی‌قراری قرار می‌دهد تا به وضعیتی برسد که خودش را هم به‌خاطر نمی‌آورد. فرایندی پویا در رمان رخ می‌دهد که منتقدان بسیاری آن را تبدیل شدن از حالتی به حالت دیگر می‌دانند. شروع این فرایند دقیقاً با شروع رمان آغاز می‌گردد. سرنوشتی که راوی داستان با روایت آن آغاز می‌نماید در صفحه نخست فصل دوم راوی اذعان می‌دارد که نیکلا به‌طرز عجیبی مرحله بعدی هر مرحله از فرایند را می‌داند. حافظه تاریخی نیکلا در حال مرور است و او به‌طور نیمه‌آگاه به‌سمتی می‌رود که تا حدود زیادی برایش نوعی بازگشت به‌حالتی است که وی قبلاً در آن بوده است.

کشتزارهای لندن نام ایستگاه قطار و پارکی در منطقه‌ی شرقی شهر لندن است درحالی‌که روایت داستان در مناطق غربی لندن صورت می‌گیرد. شهر لندن که امیس درباره‌ی آن می‌نویسد چه لندن واقعی یا هر جایی از کره‌ی خاکی باشد اشاره به وارثین هزاره سوم دارد که به سمت وضعیتی مبتذل می‌روند و انسان، حیوان، نبات و حتی جماد وضعیت لجنزاری دارند که وضعیت موجود را بدون مقاومت پذیرفته و همسو با کشش‌های اعمال شده به‌پیش می‌روند. ارنشا (۲۰۰۰) رمان کشتزارهای لندن را بازگشت لندن به قرن هجدهم می‌داند که در آن جایگاه ارزش‌ها تغییر کرده است. از آن جایی که شخصیت اصلی زنی است و منتقدان بسیاری محور اصلی داستان را مردسالاری می‌دانند که زندگی زن به‌طور کامل در جهت امیال مردان است و از خود اختیاری ندارد. این انقیاد را از دیدگاه‌های دیگری نیز می‌توان بررسی نمود که از جمله قرار گرفتن شخصیت در وضعیت هم‌نواپی در دوره‌های زمانی مشخص که به‌طور نیمه‌آگاه صورت می‌گیرد. طیق نظریات لیوتار و فوکو در مورد مقوله زمان‌هراسی و تحلیل گفتمان در دنیای پسانوگرا فرد به‌سان قطعه‌ابزاری در ماشین فرهنگی جامعه جهانی قرار می‌گیرد و با الهام از حافظه تاریخی به وضعیتی می‌رسد که از قبل به‌طور نیمه‌آگاه از آن باخبر

است. لیوتار معتقد است که برای انسان، بهتر است که از قید و بند خطی زمان خارج شود یعنی با روندی غیرمشخص به‌سوی آینده رود و ضروری است که برای دریافت چیزی که در مورد آن ذهنیت ندارد مهیا شود. فوکو این دریافت را بدون سرچشمه ذکر می‌نماید که با قرار گرفتن در چرخش‌های اجتماعی حاصل می‌شود. نیکلا سیکس در چرخش‌هایی که به‌طور نیمه‌آگاه دارد به وضعیت آخر داستان می‌رسد که خود و همه انسان‌ها را مخلوقات کوچکی می‌بیند که در مسیرهایی قرار می‌گیرند که ضمن داشتن جوهر وجودی اصلی به حالات دیگری تبدیل می‌شوند. با خاتمه رمان زندگی شروع می‌شود. نیکلا به‌عنوان قطعه‌کاری که فرایند انیلینگ روی او صورت می‌گیرد بنا بر نظریه فوکو در چرخه اجتماعی قرار می‌گیرد تا بازآفرینی و اصلاح گردد و بنا بر نظریه لیوتار به وضعیتی برسد که کاملاً مشخص نیست.

در مرحله‌ی نخست و آغاز رمان، نیکلا با مرگ عشق به پیش می‌رود و به روشنی، روال داستان با قاتل، مقتول و عامل روند قتل، مراحل لازم را طی می‌نماید و سامسون‌یانگ که نویسنده‌ی ناموفق آمریکایی است در لندن داستان نیکلا سیکس را روایت می‌نماید که فرایند مرگ و در واقع تولد مجدد نیکلا را با داشتن ارتباطات با مرد متمولی به نام گای کلینچ جهت انیلینگ یا پاکسازی و هنجارسازی به پیش می‌برد. در این مرحله، نیکلا خود را دختری پاک و عفیف معرفی می‌نماید که با شروع فرایند پاکسازی، خاتمه آن برای نیکلا مشخص می‌گردد که آن را در سالگرد تولدش در پنجم ماه نوامبر سال ۱۹۹۹ می‌بیند. در ادامه تکمیل فرایند، شخصیت دیگری به نام کیث تلنت که جوان اوپاش‌صفتی است در داستان قرا می‌گیرد که روال سخت‌شدگی را در فرایند انیلینگ به‌دنبال دارد. مرگ شخصیت نیکلا طی سه مرحله در فرایند پاکسازی و با سه مرد به نام‌های سامسون یانگ، گای کلینچ و کیث تلنت به تولد جدید وی می‌انجامد به‌گونه‌ای که در پایان داستان به بودن و آفرینش جدید تاکید می‌گردد.

شخصیت اصلی رمان، فرایندی را طی می‌نماید که گویی سرانجام کار مشخص است و او می‌داند در چه تاریخی به قتل خواهد رسید. این رفتار و فرایند، همانند فرایند پاکسازی یا انیلینگ است که فرایندی علمی و با رفتار و هدفی مشخص می‌باشد زیرا موارد مشابه قبلاً آزمایش شده و نتایج فرایند حاصل شده‌اند. طبق نظریات فوکو و لیوتار این تعیین شدن وضعیت برای شخصیت داستان طی قرارگیری در چرخه‌ی اجتماعی با زیرلایه‌های تاریخی و فرهنگی رخ می‌دهد و می‌تواند خارج از اراده و خط مشی شخصیت

داستان باشد زیرا شرایط اجتماعی را خود شخص تعیین نمی‌نماید بلکه شخصیت در شرایط اجتماعی قرار می‌گیرد. سامسون یانگ راوی داستان به‌وضوح اعلام می‌دارد که از تمام فرایند داستان که ارتکاب قتل است به‌طور کامل اطلاع دارد و قاتل، مقتول، زمان و مکان وقوع، انگیزه، ابزار و عوامل را می‌شناسد. هم‌چنین به فرایندی حتمی اشاره دارد که کسی نمی‌تواند مانع وقوع آن گردد و هنگامی که کسی شروع به ایجاد و آفرینش می‌نماید هیچ‌کس نمی‌تواند آن را متوقف نماید. وی دفترچه یادداشتی را که متعلق به نویسنده موفق آمریکایی به نام مارک اسپری است را به‌طور اتفاقی می‌خواند و متوجه می‌شود که نیکلا از زمان مرگ خودش در شب تولد سی و پنج سالگی‌اش باخبر است و از زندگی و روند پیر شدن ناخشنود است. خواننده چنین برداشت می‌نماید که احتمالاً قاتل همان جوان ولگرد به نام کیث تلنت است که سبب تخریب و بازآفرینی بنیادین نیکلا می‌گردد. در فصل هجدهم رمان، کیث تلنت در مورد نیکلا توصیفی دارد که او را به‌سان ملکه شکست‌خورده بریتون‌ها در بریتانیای باستان می‌بیند که در پی شکست از انگلوساکسون‌ها، انگلستان پدید آمد. سامسون یانگ به‌طور پیوسته با نیکلا مصاحبه می‌کند تا مرحله به مرحله، فرایند را رصد و بررسی نماید. شرایط بازآفرینی یا پاکسازی در هنگام مساعد شدن اوضاع حاصل می‌گردد به‌طوری که نیکلا در پایان رمان به شرایط لازم در اثر هم‌نوایی و در چرخه اجتماع بودن می‌رسد یعنی تحلیل‌گفتمان یا موقعیتی که فوکو معتقد است رخ می‌دهد که منطبق با تعبیر فوکو از دانش و قدرت است و با روش علمی انیلینگ مطابقت دارد. و شخصیت داستان پس از گذر از چرخه مرادوات خاص اجتماعی از مشکلاتی با برچسب مرگ به تعبیر خودش به زندگی می‌رسد که همان حالت پاکسازی‌شده است که طی فرایند پویای انیلینگ و قرارگیری در چرخه‌های اجتماعی حاصل می‌گردد.

نتیجه‌گیری:

انیلینگ یا پاکسازی روشی است که از آن طریق فرایند بازآفرینی ایجاد می‌گردد. در حقیقت، روند انیلینگ باعث می‌گردد تا موارد اکتسابی یا حالت‌های فعلی هم طبیعی و هم مصنوعی دوباره بازآفرینی‌شده تا به وضعیت نخستین خود برسند. از آنجائی که نمی‌توان خط سیر زمان را منحرف یا به سمت گذشته تغییر داد، می‌توان اقداماتی انجام داد تا به وضعیت نخستین در گذشته دست یافت. زمانی که مشکلی برای جامعه جهانی

ایجاد می‌گردد یکی از راه‌حل‌های آن پاک کردن خود مشکل یا تغییر دادن جهت گذر زمان به سمت عقب می‌باشد. ترتیب معکوس زمانی در رمان پیکان زمان امیس دلالت بر روند انیلینگ یا پاکسازی دارد که در آن زمان قابل برگشت به گذشته نمی‌باشد ولی وضعیت مربوط به زمان گذشته بازآفرینی می‌گردد. با بردن زمان به گذشته حقانیت یا کذب بودن ذهنیت تاریخی مردم از قبیل جنگ جهانی دوم، هولوکاست و روان زخمی‌ها اغماض می‌شوند. در رمان کشتزارهای لندن گرچه مفهوم زمان به ظاهر متفاوت یا در اصل، ثابت یا اندکی رو به سوی آینده است مفهوم پاکسازی مشهود است. افق ایجاد شده‌ی تاریخ تسخیر شده و حافظه‌ی فرهنگی دنیای پسا نوگرا را می‌توان بازآفرینی نمود یا از طریق فرایند ترتیب زمانی معکوس یا انیلینگ و پاکسازی حذف نمود. رمان پیکان زمان از زمان حال به سمت گذشته سیر می‌نماید و رمان کشتزارهای لندن از زمان حال به سمت آینده به پیش می‌رود که در هر دو حالت، خط سیر آینده کاملاً مشهود است و در فرایندی خاص و با هدفی مشخص حاصل می‌گردد که بازآفرینی گذشته رخ می‌دهد. طبق نظریات فوکو و لیوتار، موقعیت‌ها با قرار گرفتن در چرخه ارتباطات اجتماعی آفرینش و باز آفرینی می‌گردند. هم‌نوایی با موقعیت‌هایی که شخصیت‌های داستان در آن‌جا قرار می‌گیرند باعث آفرینش فرهنگ و وضعیتی در جهان پسانوگرا می‌شود که می‌تواند تا حدودی از قبل قابل پیش‌بینی باشد. از منظر لیوتار وضعیت پسانوگرا همان فرهنگ پسانوگرا است که به‌عنوان حالات خاص فقط در وضعیت‌های خاص ایجاد می‌گردد. دو شخصیت اصلی هر دو رمان با قرار گرفتن در موقعیت‌های خاص به حالات خاص یعنی از تعبیری با نام مرگ به وضعیتی به نام برگشت به زندگی می‌رسند که این پویایی حتماً رخ می‌دهد زیرا شرایط به‌گونه‌ای در جامعه ایجاد شده که خود به خود حرکت شخصیت در شرایط موجود صورت می‌گیرد که گریزی از آن ندارد. این وضعیت از منظر فلاسفه مشابه فرایندی است که در علوم دیگر نیز برای اجسام رخ می‌دهد. انیلینگ یا پاکسازی شخصیت و موقعیت در اثر قرار گرفتن در شرایط خاص و هم‌نوا شدن با آن‌ها حاصل می‌شود به‌گونه‌ای که برای شخصیت‌های رمان‌های مارتین امیس پیش می‌آید.

Recreation of Identity in History: Static and Dynamic History in Martin Amis' *Time's Arrow* and *London Fields*

Mehdi Nezami¹, Farid Parvaneh²

Abstract:

*Introduction: The Postmodern world contains lots of synthesized issues by which mentalities are recreated in social circulations to diffuse some concepts for some prejudicial purposes as Foucault implies in his theory of Knowledge/Power. Martin Amis's novels, *Time's Arrow* (1991), and *London Fields* (1989) have many layers of interpretations including a historical study by which scientific study may be distilled. Annealing, as a method in metallurgy science, can be taken into consideration for understanding one of the aspects of the novels' interpretation. The normalization trend of synthesized identity resonates with the historical issues either to reject or diffuse and amplify them. The trend of life whether forward and toward future or backward and toward past after passing the social, cultural, and historical circulations based on Jean Francois Lyotard and Michel Foucault and their notions of knowledge, power, and time are taken back to its original condition and culminates in recreation.*

Background Studies: *Sacido about Martin Amis's works writes that he condensed the spirit of the times while looking back to authors of the canonical tradition in the form of inter-textual games (235). Bradley and Tate mention that Amis valorizes a free utopian space called the novel in which anything and everything can be thought and said. They refer to something like a savior by the name of literature to save humanity at present (107). The means of this affair are not completely specified. Readings write that history, like literature, becomes the site of the recognition that there is something that cannot be said (62). Elias notes that the postmodern and the post-Holocaust become mutually intertwined issues that are best addressed in relation to each other (276). Boggs denotes to the matter that while "Good War" lore still has a special appeal within postwar U.S. political culture, its particular "goodness" would have little resonance for a larger world that had endured little but wartime savagery and horrors: the Holocaust, massive battlefield death and destruction, aerial obliteration of major cities, atomic carnage, deliberate assaults on civilian populations by all sides in the conflict (xiii). Hyvärinen refers to the Holocaust events*

1. Ph.D. Student of English Literature. IAU. –North Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of English Literature, IAU, Qom branch, Qom, Iran.

(Corresponding Author)

that once seemed to have to some sort of rationale, some sort of justification to people but that now, in retrospect, may appear quite awful and shameful (53). Cubitt states that historical writing on the Holocaust is frequently intended, on one level at least, as an instrument of remembering – a way of holding on to people and events that are in danger of being forgotten or misremembered (52). Johnson mentions that we can describe the mysteries of love as the result of a strong annealing process while under the influence of some patterns that can trigger high energy states (3).

Methodology: *The approach and methodology of this study is defined by the way the problem of this work is stated in the title. Annealing, normalizing, and hardening that are the three phases of the whole annealing trend are observed through the novel as the upper critical points, while, tempering, as the last phase, is observed as the lower critical point. The critical point is the condition in which annealing is performed. The methodology of this research is distilled in the overlapping notion of annealing resonance with Michel Foucault's discourse analysis that is the way the genealogy of discourse is created to govern society as well as Jean Francois Lyotard's chronophobia that is to go beyond the usual constraints of time. As a whole, annealing recreates a viewpoint to increase conductivity or virginity and decreases resistivity or changed reality. The reversed chronological order of the novel contributes to the annealing process by which the recreation of haunted history and cultural memory is achieved, so that, the original manner of the circumstance is obtained. This paper is an attempt to reveal Martin Amis's selected novels as the process of a dynamic trend by which the original condition is recreated as a result of being stuck in the social circulation. The character circulates in the process of society and achieves a new acquired being.*

Conclusion: *The trend of annealing, as a means, causes both the natural and artificial achieved issues as the acquired beings to be recreated again to reach the primordial situation. Based on Foucault and Lyotard, conditions are created and recreated by being situated in social relationships. The created zenith of postmodern haunted history and cultural memory is either recreated or removed through the process of either reversed or forward chronological order as annealing. The dynamic return to life in the form of death in Amis's novels is done automatically as the result of the recreated conditions by the postmodern society that can be predictable. The main characters of both novels have a return from death to life or form the synthesized identity to the original identity through the process of annealing as a result of resonance.*

Keywords: *Annealing, Martin Amis, Normalization, Resonance, Synthesized Identity.*

References

- Amis, Martin. *Time's Arrow*. New York: Random House Press, 1991.
- Amis, Martin. *London Fields*. New York: Random House Press, 1991.
- Boggs, Carl. *Origins of the Warfare State: World War II and the Transformation of American Politics*. New York: Routledge Press, 2017.
- Boston, Museum of Fine Arts. *Mentality and Environment*. Boston: University of Michigan Press, 2009.
- Bradley, Arthur and Tate, Andrew. *The New Atheist Novel*. Wiltshire: Antony Rowe Ltd, 2010. Cubitt, Geoffrey. *History and Memory*. Manchester: Manchester University Press, 2007.
- Earnshaw, Steven. *The Pub in Literature: England's Altered State*. Manchester: Manchester University Press, 2000.
- Elias, Amy J. *Sublime Desire: History and Post-1960s Fiction*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 2001.
- Foucault, Michel. *Power/Knowledge*. New York: Phantom Books Press, 1980.
- Hydén, Margareta et al. *Response Based Approaches to the Study of Interpersonal Violence*. New York: Palgrave Macmillan Press, 2016.
- Hyvärinen, Matti et al. *The Travelling Concepts of Narrative*. Tampere: University of Tampere Press, 2013.
- Johnson, Michael E. *What Is Love? Annealing in the Presence of an Intentional Object*. Chicago: University of Illinois, 2018.
- Keulks, Gavin. *Father and Son: Kingsley Amis and Martin Amis and the British Novel Since 1950*. Madison: University of Wisconsin Press, 2003.
- Lyotard, Jean-Francois. *The Postmodern Condition*. Trans. R. Durand. Manchester: Manchester University Press, 1984.
- Meng, Lei et al. *Adaptive Resonance Theory in Social Media Clustering*. Cham: Springer Press, 2019.
- Parvaneh, Farid. and Zaltash, Hanieh. "Reading the Selected Fiction of William Gibson in Light of Joseph Campbell's Theory: Cyberpunk and Postmodern

- Myth.” C.L.L.S. Vol. 16, No. 23, Autumn and Winter 2019. 93-117.
- Pickering, Michael. *History, Experience and Cultural Studies*. New York: St. Martin's Press, 1988.
 - Readings, Bill. *Introducing Lyotard: Art and Politics*. London: Routledge, 1991.
 - Rennison, Nick. *Contemporary British Novelists*. London: Routledge Press, 2005.
 - Rollyson, Carl. *Notable British Novelists*. Pasadena: Salem Press, 2001.
 - Romesh, C. Sharma. *Principles of Heat Treatment of Steels*. New Delhi: New Age International (P) Ltd, 1993.
 - Sacido, Jorge. *Modernism, Postmodernism, and the Short Story in English*. New York: Rodopi Press, 2012.
 - Sheldon, Garrett Ward. *Encyclopedia of Political Thought*. New York: Facts on File Press, 2001.
 - Sokhanvar, Jalal and Montakhabi, Narges. “A Study of Scheherazade Myth Impression on Postmodern Novel Chimera by John Barth with A Paul de Man Reading of the Text.” C.L.L.S. Vol. 1, No. 2, Autumn and Winter 2009.